

## فناوری حاکم یا فناوری خادم کدام یک سازنده است؟

بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای پیشگام در تعلیم و تربیت، برای ارتقای کیفیت نظام آموزشی خود، جنبش تازه‌ای را آغاز کرده‌اند. در این کشورها، گروهی از صاحب‌نظران آموزشی، مستقیماً بر آموزش و یادگیری در محیط‌های الکترونیکی و استفاده از فناوری‌های جدید و دیجیتالی تأکید می‌کنند. به نسل قبلی فرق کرده است. دانش‌آموزان امروزی، بیشتر با رایانه و شبکه‌های اینترنتی سروکار دارند تا با وسایل و رسانه‌های ساده‌ای مانند فیلم، نقشه، اسلاید، رادیو، تلویزیون و سایر ابزارهای دیداری و شنیداری.

آن‌ها می‌گویند بچه‌های امروزی با استفاده از محیط‌های الکترونیکی و چندرسانه‌ای، مستقیماً به اطلاعات مورد نیاز مانند تصویر، صدا و متن دسترسی پیدا می‌کنند و از این طریق در هر زمان و مکانی به سرعت دامنه یادگیری خود را وسعت می‌دهند و به تدریج افرادی کاوشگر و پژوهشگر بار می‌آیند. از همین‌رو نتیجه می‌گیرند، آینده آموزش و یادگیری بر محور فناوری‌های دیجیتالی و فضاهای الکترونیکی استوار خواهد بود. بنابراین می‌کوشند هر چه بیشتر روش‌های یادگیری الکترونیکی مانند یادگیری برخط، رایانه‌محور، شبکه‌محور، مجازی و یادگیری از راه دور را در آموزش توسعه دهند. به کلامی دیگر، این گروه بر یادگیری انفرادی و مستقل در محیط‌های مجازی تأکید می‌کنند و آموزش مبتنی بر رایانه را به سبب امکان تعامل فراگیرنده با محیط مجازی، دخل و تصرف در آن و آزادی عمل، بر محیط‌های کلاس درس سنتی و تلویزیونی که غالباً در آن‌ها دانش‌آموزان منفعل و تماشاگر صرف هستند، ترجیح می‌دهند. گروهی دیگر در این کشورها، با الهام از نظریه جان دیویی، فیلسوف و مربی بزرگ تعلیم و تربیت، و با استفاده از آموزه‌های مکتب شناختی، بیشتر به یادگیری فعال و معنادار در فضای طبیعی کلاس درس با حضور معلم، دانش‌آموزان و محتوای آموزشی توجه دارند و فناوری را حامی و پشتیبان فرایند آموزش، از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آن بهره‌مند شوند. این گروه در عین حال که شگفتی‌ها و قدرت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را انکار نمی‌کنند، ولی به چند دلیل، **محوریت رایانه** را در مسائل آموزشی و تربیتی قبول ندارند: ۱. رایانه هرگز مساوی با فناوری آموزشی نیست. ۲. آموزش‌های مبتنی بر وب، آموزش‌های واقعی نیستند، زیرا ارائه اطلاعات صرف، دانش محسوب نمی‌شود. ۳. برنامه‌های غیراخلاقی و مستهجن برخی شبکه‌ها، ناقض مقاصد و اهداف برنامه‌های تربیتی است. ۴. توسعه غیرضروری و افراطی انواع فناوری‌های جدید در

مدارس و اصرار بر یادگیری‌های الکترونیکی و شبکه‌محور در همه دوره‌های تحصیلی، عملاً فناوری را بر آموزش و پرورش حاکم می‌کند که در این حالت، آینده و سرنوشت آموزش و پرورش کشور ممکن است در جایی غیر از قلب آموزش و پرورش تعیین شود که بسیار خطرناک است.

این گروه بر این باورند که مهارت‌های حرفه‌معلمی، دانش و هنر تدریس اثربخش، بسیار مهم‌تر از ابزارهای فنی و الکترونیکی است. به همین سبب، آموزش را فعالیتی علمی و هنری می‌دانند و بر مهارت‌های حرفه‌ای معلم ارزش بیشتری قائل‌اند و از آن‌جا که کارایی و توانایی فناوری‌های جدید را نیز قبول دارند، پیشنهاد می‌کنند سه حیطة طراحی آموزشی، رسانه‌های آموزشی و کار با رایانه، در هم ادغام شوند. با این تدبیر، معلم دیگر انتقال‌دهنده مستقیم دانش نیست، او برنامه‌ریز و طراح آموزشی است که با تدبیر خود می‌تواند محیط‌های یادگیری را هدایت، کنترل و غنی‌سازد. نقش جدید معلم که آینده‌نگری نیز در آن به خوبی دیده می‌شود، پاسخ‌گویی است که می‌گویند «آری معلم ستون و پایه آموزش و پرورش است؛ ولی کدام معلم و با کدام مهارت و شایستگی‌ها».

طرح تلفیق طرح آموزشی معلم با رسانه‌ها و کارهای رایانه‌ای، برنامه‌جدیدی است که پنج استاد فناوری آموزشی از چند دانشگاه آمریکا به منظور آموزش درس فناوری آموزشی برای معلمان، با عنوان «فناوری آموزشی برای آموزش و یادگیری» تدوین کرده‌اند. وقتی اهداف این برنامه درسی فناوری آموزشی را مطالعه می‌کردم، بسیار متعجب شدم، زیرا با این که این برنامه در سال ۲۰۱۱ تجدیدنظر شده است، برخلاف ادعای گروه اول، نشانه‌ای از محوریت رایانه و اصرار بر فناوری‌های دیجیتالی، محیط مجازی و الکترونیکی را در همه دوره‌های تحصیلی به یک صورت مشاهده نکردم. البته من به این اطلاعات بسنده نکردم و به چند کتاب و مجله به روز دیگر هم مراجعه کردم که در همه آن‌ها بر نقش فعال معلم در طراحی آموزشی، معلم به عنوان کارشناس مسائل آموزشی و یادگیری، مدیر طراحی و تولید رسانه‌ها و مواد آموزشی، و فردی ماهر در کاربری رایانه آموزشی به منظور تسهیل یادگیری، توجه خاصی شده است.

وقتی به این مهارت‌های حرفه‌ای معلم در حوزه فناوری آموزشی، دانش تخصصی علوم تربیتی، روان‌شناسی یادگیری و فلسفه تعلیم و تربیت هم، متناسب با برنامه‌های درسی ملی هر کشور اضافه شود، معلم مقام واقعی خود را به عنوان کارشناس مسائل تعلیم و تربیت و فناوری آموزشی احراز خواهد کرد و از فناوری‌ها براساس اهداف و مقاصد آموزشی و به میزان نحوه اثربخشی آن‌ها در فرایند یاددهی و یادگیری در قالب طراحی آموزشی استفاده خواهد کرد. به عبارت دیگر، فناوری به گونه‌ای اثربخش در خدمت آموزش و پرورش قرار خواهد گرفت و دغدغه چگونگی استفاده از فناوری‌های گوناگون آموزشی موجود در بازار یا شبکه‌های اینترنتی، به طور قابل توجهی از بین خواهد رفت و راه تحول و پیشرفت منطقی فعالیت‌های آموزشی در مدارس بهتر فراهم خواهد شد.